

بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری

جلد دوم

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر بابایی

پاییز ۱۳۹۱

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی، و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی از دوباره‌کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) پنجاه و یکمین کار مشترک خود را با انتشار کتاب بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری (ج ۲) به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته‌های «علوم قرآنی» و «تفسیر» در مقطع تحصیلات تکمیلی تهیه و تدوین شده است.

امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

سازمان سمت

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بسم الله الرحمن الرحيم

علوم انسانی در حکم مجموعه قواعد تنظیم حیات انسان در بخش نرم‌افزاری فرهنگ و تمدن بشری، علوم و معارفی است که به صورت روش‌مند از رفتارها، باورها، نگرش‌ها، احساسات و همه پدیده‌های انسانی معنا‌دار بحث می‌کند و از مصادیق یقینی آن فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی، مدیریت و حقوق است.

تحول در حوزه‌های علمی، به‌ویژه در علوم انسانی از فرازهای مورد تأکید حضرت امام خمینی علیه السلام و مطالبات جدی رهبر معظم انقلاب (مدظله) به‌ویژه در سال‌های اخیر است. اهمیت این تحول، ریشه در مطالعات علوم انسانی و نیازهای مترتب بر آن، به‌ویژه رشد و توسعه شتابان دانش و فرهنگ در عرصه جهانی دارد؛ زیرا در آن، از یک‌سو انسان، به عنوان اشرف مخلوقات و از دیگر سو روابط او با دیگران در عرصه بشری مطرح است و از این جهت این علوم بر علوم دیگر تقدم دارد. به‌واقع، رسالت مهم و اساسی این علم، ساختن انسان، پرورش شخصیت و توجه به شأن وجودی او و یک نگاه، رساندن او به سرمنزل مقصود و هدایت به سوی مرتبه انسان کامل است.

ایران اسلامی از بنیان‌های تمدنی غنی و توانمندی‌های فراوانی در درون و برون محیط‌های دانشگاهی و حوزه‌های علمیه برخوردار است و از این جهت، بستری مهیا برای ورود به عرصه‌های علمی و تولید دانش بومی در حوزه‌های علوم انسانی فراهم است. به‌پشتوانه چنین میراث گرانبغایی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) با حمایت مالی معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که رسالت و تکلیف اصلی آن تلاش برای تعمیق و گسترش علوم، معارف و ارزش‌های انسانی

اسلامی و تطابق هرچه بیشتر رشته‌ها و درس‌های دانشگاهی با نیازهای جامعه و کاربردی کردن آنها و تحول در ارتقای علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این علم است، زمینه‌های چاپ این اثر را فراهم آورده است.

از استادان، فرهیختگان و صاحب‌نظران ارجمند می‌خواهیم تا با همکاری و راهنمایی‌های ارزشمند خود این معاونت را در جهت نقد کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری فرمایند.

معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

فهرست اجمالی مطالب جلد اول و دوم

بررسی مکاتب و روش های تفسیری

جلد اول

۷	فصل اول: مباحث مقدماتی
۳۳	فصل دوم: مکتب و روش تفسیری در روایات نقل شده از معصومین علیهم السلام
۶۷	فصل سوم: ارزش تفسیر صحابه و تابعین و بررسی روش تفسیری آنان
۹۹	فصل چهارم: بررسی مکتب تفسیری روایی محض
۱۳۵	فصل پنجم: معرفی و بررسی تفاسیر روایی محض
۱۶۹	فصل ششم: معرفی و بررسی مکتب تفسیری باطنی محض
۲۰۱	فصل هفتم: معرفی و بررسی تفاسیر باطنی محض

جلد دوم

۷	فصل اول: بررسی مکتب و روش تفسیری اجتهادی
۳۹	فصل دوم: بررسی مکتب و روش تفسیری اجتهادی قرآن به قرآن
۹۱	فصل سوم: بررسی مکتب و روش تفسیری اجتهادی روایی
۱۳۵	فصل چهارم: بررسی مکتب و روش تفسیری اجتهادی ادبی
۱۶۷	فصل پنجم: بررسی مکتب و روش تفسیری اجتهادی علمی
۲۰۱	فصل ششم: بررسی مکتب و روش تفسیری اجتهادی فلسفی

فهرست تفصیلی مطالب

۱	پیشگفتار
۷	فصل اول: بررسی مکتب و روش تفسیری اجتهادی
۷	مقدمه
۷	۱. تعریف مکتب و روش تفسیری اجتهادی
۸	۱-۱. معنای لغوی اجتهاد
۹	۲-۱. معانی اصطلاحی اجتهاد نزد دانشمندان اصول فقه
۱۰	۳-۱. تعریف‌های اجتهاد در تفسیر
۱۲	۴-۱. تفاوت اجتهاد مطلق و مطلق اجتهاد در تفسیر
۱۲	۲. بررسی دلایل مخالفان مکتب تفسیری اجتهادی
۱۳	۱-۲. نسبت دادن معنا به خدا بدون علم
۱۴	۲-۲. اختصاص تبیین قرآن به پیامبر ﷺ
۱۵	۳-۲. روایات نکوهش تفسیر به رأی
۱۶	۴-۲. سیره صحابه و تابعین
۱۷	۳. بررسی دلایل موافقان مکتب تفسیری اجتهادی
۱۷	۱-۳. آیات
۲۱	۲-۳. روایات
۲۴	۳-۳. سیره عقلا
۲۵	۴. اقسام مکتب تفسیری اجتهادی
۲۷	○ چکیده
۲۸	○ پرسش
۲۸	○ منابع برای مطالعه بیشتر
۲۸	○ برای پژوهش

۲۹	مقدمه
۳۰	۱. تعریف مکتب و روش تفسیری اجتهادی قرآن به قرآن
۳۰	۲. نظریه‌های منطبق با این مکتب
۳۱	۱-۲. قرآن‌بسندگی
۳۱	۲-۲. قرآن‌بسندگی در تفسیر
۳۱	۳-۲. استفاده حداکثری از قرآن در تفسیر
۳۲	۳. بررسی نظریه قرآن‌بسندگی
۳۲	۱-۳. طرفداران
۳۲	۱-۱-۳. ابوزید دمنه‌وری
۳۳	۲-۱-۳. سید ابوالفضل برقی
۳۴	۲-۳. بررسی دلایل طرفداران
۳۵	۱-۲-۳. دلایل قرآنی
۳۷	۲-۲-۳. دلایل روایی
۳۸	۳-۳. دلایل نادرستی قرآن‌بسندگی
۳۹	۱-۳-۳. چگونگی بیانات قرآن کریم
۳۹	۲-۳-۳. برخی آیات قرآن کریم
۳۹	۳-۳-۳. روایات
۴۰	۴. بررسی نظریه قرآن‌بسندگی در تفسیر
۴۰	۱-۴. طرفداران
۴۱	۱-۱-۴. یوسف شعار
۴۲	۲-۱-۴. محمد صادقی تهرانی
۴۳	۲-۴. بررسی دلایل طرفداران
۴۴	۱-۲-۴. دلایل قرآنی
۴۹	۲-۲-۴. دلایل روایی
۵۲	۳-۲-۴. روش تفسیری معصومان علیهم‌السلام
۵۵	۳-۴. دلایل نادرستی «قرآن‌بسندگی در تفسیر»
۵۵	۱-۳-۴. ویژگی‌های قرآن و قواعد تفسیر
۶۱	۲-۳-۴. برخی از آیات قرآن
۶۳	۳-۳-۴. روایات
۶۵	۵. بررسی نظریه استفاده حداکثری از قرآن در تفسیر
۶۷	۱-۵. آفت‌ها
۶۷	۲-۵. طرفداران
۶۷	۱-۲-۵. سید محمد حسین طباطبایی

۷۲	۲-۲-۵. استاد جوادی آملی
۷۳	۳-۲-۵. محمد امین شنقیطی مالکی
۷۴	۶. معرفی و بررسی روش تفسیری برخی از تفاسیر اجتهادی قرآن به قرآن
۷۵	۱-۶. المیزان فی تفسیر القرآن
۷۶	۱-۶. بررسی روش تفسیری مؤلف در استفاده از سیاق
۷۸	۱-۶-۱. اهتمام به سیاق
۷۸	۱-۶-۲. توجه به شرایط تحقق سیاق
۷۹	۱-۶-۳. ترتیب اثر ندادن به سیاق سوره‌ها
۸۰	۱-۶-۴. توجه نکردن به میزان تأثیر سیاق
۸۱	۲-۶. بررسی روش تفسیری مؤلف در استفاده از آیات دیگر قرآن
۸۳	۲-۶. اضاء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن
۸۳	۱-۶-۲. بررسی روش تفسیری مؤلف در استفاده از سیاق
۸۴	۲-۶-۲. بررسی روش تفسیری مؤلف در استفاده از آیات دیگر قرآن
۸۶	○ چکیده
۸۸	○ پرسش
۸۸	○ منابع برای مطالعه بیشتر
۸۹	○ برای پژوهش

۹۱	فصل سوم: بررسی مکتب و روش تفسیری اجتهادی روایی
۹۱	مقدمه
۹۱	۱. تعریف مکتب تفسیری اجتهادی روایی
۹۲	۲. طرفداران مکتب تفسیری اجتهادی روایی
۹۲	۱-۲. علی بن ابراهیم قمی
۹۳	۲-۲. محمد بن جریر طبری
۹۴	۳-۲. اسماعیل بن عمر بن کثیر
۹۴	۴-۲. محمد محسن فیض کاشانی
۹۴	۳. بررسی دلایل مکتب تفسیری اجتهادی روایی
۹۴	۱-۳. بررسی دلایل قرآنی
۹۷	۲-۳. بررسی دلایل روایی
۹۹	۳-۳. نتیجه‌گیری
۱۰۰	۴. معرفی و بررسی تفاسیر اجتهادی روایی
۱۰۰	۱-۴. تفسیر القمی
۱۰۲	۱-۴-۱. روش تفسیری مؤلف
۱۰۳	۱-۴-۲. بررسی روش تفسیری مؤلف
۱۰۴	۱-۴-۳. ارزیابی محتوای تفسیر

۱۰۵	۱-۳-۱-۴. بررسی کلی سند روایات
۱۰۷	۱-۳-۱-۴. بررسی کلی محتوای روایات
۱۱۰	۱-۳-۱-۴. بررسی اجمالی آرای تفسیری
۱۱۱	۲-۴. بررسی روش تفسیری تفسیر الطبری
۱۱۳	۱-۲-۴. توجه نکردن به روایات اهل بیت پیامبر ﷺ
۱۱۳	۲-۲-۴. بررسی نکردن وضعیت سند روایات
۱۱۴	۳-۲-۴. نقل مطالب تاریخی بدون تحقیق و تحلیل
۱۱۵	۳-۴. بررسی روش تفسیری ابن کثیر در استفاده از روایات
۱۱۸	۱-۳-۴. بیان نکردن وضعیت سند و راویان بیشتر روایات
۱۱۹	۲-۳-۴. گزینشی نقل کردن روایات
۱۱۹	۳-۳-۴. نقل روایات نامناسب با عصمت پیامبر ﷺ
۱۲۰	۴-۳-۴. استناد به ظاهر روایات مخالف برهان عقلی و قرآن
۱۲۱	۵-۳-۴. آوردن روایات تحریف قرآن بدون توجیه مناسب
۱۲۲	۶-۳-۴. نقل روایات غیر تفسیری
۱۲۲	۷-۳-۴. برخورد نامناسب با روایات فضایل اهل بیت پیامبر ﷺ
۱۲۵	۴-۴. بررسی روش تفسیری تفسیر الصافی در استفاده از روایات
۱۲۷	۱-۴-۴. دسته‌بندی نکردن روایات
۱۲۸	۲-۴-۴. حذف سند روایات
۱۲۹	۳-۴-۴. اعتماد به روایات اهل تسنن
۱۲۹	۴-۴-۴. آوردن روایات پیچیده و دشوار بدون بیان مناسب
۱۳۰	۵-۴-۴. توجه نکردن به نادرستی ظاهر برخی روایات
۱۳۱	۶-۴-۴. آوردن روایات، بدون اشاره به روایات مخالف
۱۳۲	○ چکیده
۱۳۳	○ پرسش
۱۳۴	○ منابع برای مطالعه بیشتر
۱۳۴	○ برای پژوهش
۱۳۵	فصل چهارم: بررسی مکتب و روش تفسیری اجتهادی ادبی
۱۳۵	مقدمه
۱۳۶	۱. تعریف مکتب و روش تفسیری اجتهادی ادبی
۱۳۶	۲. طرفداران مکتب تفسیری اجتهادی ادبی
۱۳۶	۱-۲. زمخشری
۱۳۷	۲-۲. ابن عطیه
۱۳۷	۳-۲. بیضاوی
۱۳۸	۴-۲. ابوحیان اندلسی

۲۰۶	۲-۳. منبع بودن عقل برای شناخت قراین آیات
۲۰۶	۴. آرای مفسران در چگونگی بهره‌گیری از عقل در تفسیر قرآن
۲۰۷	۱-۴. بررسی دلایل موافقان مکتب تفسیری اجتهادی فلسفی
۲۰۷	۱-۴. اعتبار و اهمیت عقل در آیات و روایات
۲۰۹	۲-۴. سیره عقلا
۲۱۱	۳-۴. روایات تفسیری معصومان (علیهم‌السلام)
۲۱۲	۲-۴. بررسی دلایل مخالفان مکتب تفسیری اجتهادی فلسفی
۲۱۳	۱-۲-۴. اختلافی بودن و یقین‌آور نبودن استدلال‌های فلسفی
۲۱۶	۲-۴. روایات
۲۲۱	۵. نتیجه‌گیری و نظر نهایی درباره‌ی قرینه بودن معلومات فلسفی
۲۲۴	۶. بررسی نمونه‌ای از انواع تفسیرهای فلسفی نادرست
۲۲۴	۱-۶. صرف نظر از ظاهر آیات به تصور مخالفت آن با عقل
۲۲۵	۲-۶. تفسیر و تطبیق آیه با معلوم فلسفی بدون ظهور آیه در آن
۲۲۷	۳-۶. تفسیر و تطبیق برخی واژه‌های قرآنی با اصطلاحات فلسفی
۲۲۸	۴-۶. استفاده از معلومات عقلی فراتر از حد دلالت آنها
۲۲۹	۷. نتیجه‌گیری نهایی از بررسی اقسام مکتب تفسیری اجتهادی
۲۳۱	○ چکیده
۲۳۲	○ پرسش
۲۳۳	○ منابع برای مطالعه بیشتر
۲۳۳	○ برای پژوهش
۲۳۵	منابع و مآخذ
۲۴۵	نمایه آیات
۲۵۲	نمایه روایات و سخنان صحابه
۲۵۵	نمایه اسامی و عناوین معصومان (علیهم‌السلام)
۲۵۶	نمایه اعلام
۲۶۱	نمایه کتاب‌ها و مقاله‌ها

پیشگفتار

قرآن کریم برترین کتاب آسمانی است^۱ که از جانب خدای عزیز و حکیم و رحمان و رحیم نازل شده است^۲ و به استوارترین راه سعادت و رستگاری هدایت می‌کند.^۳ ولی مغانی و معارف و علوم و احکام آن از جهت ظهور و خفای دلالت آیات بر آنها و آسانی و دشواری فهم آنها از الفاظ و عبارات، سطح‌ها و مرتبه‌های گوناگونی دارد. فهمیدن اندرزهای آن و رسیدن به مرتبه‌ای از هدایت آن برای عموم انسان‌ها آسان است. خدای متعال فرموده است: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ؟»^۴ و تحقیقاً این قرآن را برای پند گرفتن آسان کردیم، پس آیا پندپذیری هست؟^۵ و از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نقل است که فرمود: «قسمی از قرآن را عالم و جاهل می‌فهمند...»^۶ و فهم کامل معارف، علوم و احکام آن ویژه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اوصیای گرانقدر ایشان است؛ از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «هیچ‌کس جز اوصیا نمی‌تواند ادعا کند همه قرآن، ظاهر و باطن آن نزد او است»^۷ و از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نیز نقل شده است که فرمود: «قسمی از قرآن را هیچ‌کس جز خدایا، فرشتگان و راسخان در علم نمی‌دانند»^۸. اما مرتبه‌ای از معانی و معارف آن، که برای غیر

۱. «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ...» (مائده، ۴۸).

۲. «تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (زمر، ۱)؛ «تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (فصلت، ۲).

۳. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ» (اسراء، ۹).

۴. قمر، ۱۷، ۲۲، ۳۲ و ۴۰.

۵. «... ثم ان الله قسم كلامه ثلاثة اقسام فجعل قسما منه يعرفه العالم والجاهل...» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۴۳، حدیث ۴۴).

۶. ما يستطيع احد ان يدعي ان عنده جميع القرآن ظاهره و باطنه غير الاوصيا (كلینی، اصول الکافی، ج ۱، ص ۲۸۶، کتاب الحج، باب انه لم يجمع القرآن كله الا الائمة (علیهم السلام)).

۷. «... وقسماً لا يعلمه إلا الله و ملائکته و الراسخون فی العلم...» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۴۳، حدیث ۴۴) در برخی کتاب‌ها به جای «ملائکته»، «أمناءه» نقل شده است (ر.ک. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۵).

پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام نیز قابل فهم و دستیابی است به تدبیر و تفسیر و تلاش علمی نیاز دارد. شاهد این مدعا، افزون بر آیاتی که به تدبیر در قرآن ترغیب و تدبیر نکردن در آن را نکوهش می‌کنند،^۱ تفسیرهایی هستند که تاکنون برای قرآن نوشته‌اند و بخشی از معانی و مطالب آن را که در آغاز آشکار و معلوم نبوده تبیین کرده‌اند. از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام نیز نقل شده است که فرمود: «و تعلموا القرآن فإنه أحسن الحديث و تفقهوا فيه فإنه ربيع القلوب»؛^۲ و قرآن را بیاموزید که آن نیکوترین سخن است و در آن تفقه کنید که آن بهار دل‌ها است.

بنابراین، می‌توان گفت فهم مرتبه‌ای از معانی و معارف و احکام قرآن برای غیر پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام نیز امکان دارد و از این رو، ما به تدبیر در قرآن و تفقه در آن (کوشش برای فهم معانی دقیق و غیر آشکار آن)^۳ دعوت شده‌ایم و از عصر رسالت تاکنون نیز همواره در میان مسلمانان کوشش برای تفسیر قرآن و فهم مرتبه‌ای از معانی غیر آشکار آن و بهره‌مندی بیشتر از معارف و هدایت‌های آن کاری پسندیده به شمار می‌آمده و دانش تفسیر دانشی ارجمنند بوده است و در همه قرن‌ها مفسرانی برای قرآن بوده‌اند و تفسیرهایی برای آن نوشته شده است.^۴ البته

۱. «كِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكًا لِيَذَّبُوا أَبَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (سوره ص، ۲۹)؛ «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد، ۲۴)؛ تدبیر را هم به مطلق تفکر و تفهم و اندیشیدن و دریافت حقیقت معنا کرده‌اند (ر.ک: ابن منظور، لسان العرب؛ صفی‌پور، منتهی الإرب؛ زبیدی، تاج العروس؛ طریحی، مجمع البحرین، واژه «دبر») و هم به نظر کردن در عواقب امور معنا کرده و در تفاوت آن با تفکر گفته‌اند، تدبیر تصرف با نظر در عواقب است و تفکر، تصرف قلب با نظر در دلایل است (طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۸۱، ذیل آیه ۸۲ سوره نساء) در هر صورت با تدبیر در آیات معانی نامعلومی از آنها آشکار و مرتبه‌ای از معانی آنها تفسیر می‌شوند. زیرا طبق معنای اول تدبیر با تفسیر به معنای تفکر در آیات برای فهم معنای آنها و اندیشیدن در آنها برای درک حقیقت آنها قابل انطباق است و طبق معنای دوم نیز تفکر در معنا و محتوای آیات برای شناخت لوازم و آثار و کشف دلالت‌های التزامی و ایمانی آنها مصداقی از تدبیر و نوعی تفسیر است.

۲. نهج البلاغه (ترجمه فیض الاسلام)، ص ۳۳۹، خطبه ۱۰۹.

۳. تفقه از «فقه» است و لغت‌دانان فقه را به فهم، فطنه (زیرکی) و نیکو درک کردن، معنا کرده‌اند (ر.ک: فیومی، المصباح المنیر؛ زمخشری، اساس البلاغه؛ انیس و دیگران، المعجم الوسیط، واژه فقه) و برخی فقه را به فهمیدن شواهد معنایی که در ضمن کلام نهفته است ولی به دلالت آن تصریح نشده است معنا کرده‌اند (ر.ک: طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۲۳) و برخی گفته‌اند: فقه، معانی استنباط‌شده (معنایی که دلالت کلام بر آن آشکار نیست و با استنباط به دست می‌آید) است (طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۸۳) و برخی هیئت تفقه در واژه فقه را اشاره به قبول زحمت و تحمل مشقت برای تحصیل فهم دانسته‌اند (ر.ک: آلوسی، روح المعانی، ج ۱۱، ص ۴۸) با توجه به این معانی می‌توان گفت تفقه در قرآن با تمام توان کوشش کردن برای فهمیدن معانی دقیق و غیر آشکار آن است.

۴. در تاریخ تفسیر قرآن از عصر حضور امامان معصومین علیهم‌السلام تا پایان عصر غیبت صفرا (سال ۱۱ تا سال ۳۲۹ ق)

در چگونه تفسیر کردن قرآن اختلاف نظرهایی بوده و هست؛ گروهی روش صحیح تفسیر را رجوع به پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام یا صحابه و تابعان و روایات و آثار تفسیری آنان دانسته و به مکتب تفسیری روایی محض گرویده‌اند^۱ که در کتاب مکاتب تفسیری جلد اول و بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری (ج ۱) دلایل آن بررسی و نادرستی دیدگاه آنان بیان شده است.^۲ و از دسته‌ای نقل شده است که گفته‌اند: مراد از قرآن باطن آن است نه ظاهر آن^۳ و عمل به ظاهر هلاکت و بدبختی است و تنها باید به بطون قرآن عمل کرد^۴ و از این رو، تفسیر صحیح، به نظر آنان تفسیر باطن قرآن است. این دیدگاه نیز در مکاتب تفسیری جلد دوم و بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری (ج ۱) نقد و نادرستی آن بیان شد.^۵ البته همه مفسران و کسانی که در صدد فهم و تبیین معانی قرآن برآمده‌اند، به جز دو دسته یادشده، نوعی اجتهاد در تفسیر را جایز و نتیجه آن را معتبر و قابل اعتماد دانسته و در تفسیر آیات به گونه‌ای اجتهاد کرده‌اند، ولی در چگونگی اجتهاد در تفسیر آیات دیدگاه و روش واحدی نداشته‌اند. دسته‌ای گفته‌اند در تفسیر قرآن باید فقط یا بیش از هر چیز، از خود قرآن کمک گرفت و در اجتهاد برای تفسیر هر آیه‌ای نیز بیش از هر چیز از آیات دیگر استفاده کرده‌اند؛ و گروهی بر استفاده بیشتر از روایات تأکید کرده‌اند و در تفسیر آیات نیز بیش از هر چیز از روایات کمک گرفته‌اند؛ و گروهی بر نقش علوم ادبی در تفسیر تأکید کرده‌اند و فضای غالب تفسیری که بر قرآن نوشته‌اند، مباحث ادبی است؛ و دسته‌ای در توضیح معنای آیات به مناسبت تفسیر آیات، از یافته‌های علوم تجربی استفاده فراوان کرده‌اند؛ و برخی فیلسوفان در تفسیری که برای سوره‌هایی از قرآن نوشته‌اند، از مباحث فلسفی نیز استفاده کرده و به تفسیر فلسفی آیات نیز پرداخته‌اند؛ و بدین صورت برای مکتب و روش تفسیری اجتهادی، اقسامی پدید آمده است.

کتاب حاضر (بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری، جلد دوم) که در ادامه جلد نخست این کتاب با ویژگی‌های متن آموزشی برای مقطع تحصیلات تکمیلی تهیه شده، در صدد است که بنا نقد اقسام مکتب و روش تفسیری اجتهادی، دانشجویان رشته تفسیر و علوم قرآنی و طلاب

۱. برای اطلاع از آن ر.ک: بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۲۶۹-۲۷۳.

۲. ر.ک: همان، ص ۲۷۴-۳۱۰؛ همو، بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری، ج ۱، ص ۱۰۴-۱۳۱.

۳. ر.ک: جرجانی، شرح الموافق، ج ۸، ص ۳۸۸؛ ذهبی، التفسیر والمفسرون، ج ۲، ص ۹؛ بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۲، ص ۶.

۴. ر.ک: نویختی، فرق الشیعه، ص ۷۵ و نیز ر.ک: بابایی، همان.

۵. ر.ک: بابایی، همان، ص ۱۰-۱۱؛ همو، بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری، ج ۱، ص ۱۷۴.

آموزش تخصصی تفسیر را با امتیازها و کاستی‌های اقسام مکتب و روش تفسیری اجتهادی و برخی کتاب‌های تفسیری معروف آنها آگاه کرده، و آنان را به سمت کامل‌ترین مکتب و روش تفسیری اجتهادی و روش صحیح تفسیر قرآن هدایت نماید.

این کتاب شش فصل دارد: در فصل نخست، پس از بیان مفهوم لغوی و اصطلاحی اجتهاد و تطورات آن، مکتب و روش تفسیری اجتهادی تعریف و دلایل مخالفان و موافقان آن بررسی و به اقسام آن اشاره می‌شود. و در فصل‌های دوم تا ششم، پنج قسم از اقسام آن مکتب و روش با عنوان‌های: مکتب و روش تفسیری اجتهادی قرآن به قرآن، مکتب و روش تفسیری اجتهادی روایی، مکتب و روش تفسیری اجتهادی ادبی، مکتب و روش تفسیری اجتهادی علمی و مکتب و روش تفسیری اجتهادی فلسفی، معرفی و نقد شده‌اند و در پایان نتیجه‌گیری شده است که مکتب و روش صحیح و کامل در تفسیر قرآن «مکتب و روش تفسیری اجتهادی جامع» است.

توجه به نکات ذیل برای تدریس و مطالعه این کتاب می‌تواند مفید باشد:

۱. حجم این کتاب به میزان دو واحد درسی در مقطع تحصیلات تکمیلی است و حجم فصل‌ها به اقتضای موضوع بحث آنها متفاوت است. استادان محترم در تقسیم محتوای کتاب برای جلسات تدریس، فصل‌ها را معیار قرار ندهند، بلکه صفحات کتاب را در نظر بگیرند و به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که مطالب شش فصل در چهارده جلسه تدریس شود؛

۲. در آغاز هر فصل به اهداف آموزشی آن فصل اشاره شده است، توجه به آن اهداف، هم می‌تواند استادان محترم را در دسته‌بندی مطالب برای تدریس در کلاس کمک کند و هم دانشجویان و طلاب عزیز را راهنمایی می‌کند که هنگام مطالعه باید به دنبال فهم چه مطالبی باشند؛

۳. چکیده مطالب در پایان هر فصل می‌تواند دانشجویان را در یادسپاری و یادآوری رئوس مطالب آن فصل یاری دهد؛

۴. پرسش‌های پایان هر فصل برای خودآزمایی دانشجویان و طلاب و کسب اطمینان از رسیدن به اهداف آموزشی آن فصل تهیه شده است، پاسخ صحیح و کامل به آن پرسش‌ها نشانه یاد گرفتن مطالب آن فصل و رسیدن به اهداف آموزشی آن است. استادان ارجمند نیز می‌توانند برای طرح سؤال‌های امتحانی از آن سؤال‌ها

۵. در پایان هر فصل موضوعاتی برای تحقیق و منابعی برای مطالعه بیشتر ارائه شده است. استادان گرامی می‌توانند تحقیق در آن موضوع‌ها را به دانشجویان پیشنهاد دهند و برای تشویق آنان امتیاز یا نمره‌ای برای آن در نظر گیرند؛

۶. استادان و دانشجویان می‌توانند برای فهم عمیق‌تر مطالب کتاب و توسعه آگاهی نسبت به مباحث آن به مکاتب تفسیری جلد دوم و سوم مراجعه کنند.

در پایان از همه کسانی که در آماده‌سازی این کتاب برای نشر مؤثر بوده‌اند، به‌ویژه از جناب حجت‌الاسلام حسن صادقی که در تلخیص مکاتب و تبدیل آن به متن آموزشی همکاری بسیار خوبی داشته‌اند، تقدیر و تشکر می‌شود.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

علی اکبر بابایی

قم - تابستان ۱۳۹۱